



سختی را از هنرمندان مطالبه می‌کنند، وجود ندارد. تلخ‌تر از همه این موارد، مهاجرت و خانه‌نشینی دیگر اساتید شاخص این رشته است؛ اساتید بزرگ و نامدار هنر نگارگری مثل مجید مهرگان اردشیر مجرد تاکستانی که نسل مهمی از هنرمندان، داوران و معلمان نگارگری در دهه‌های ۵۰ تا ۸۰ خورشیدی بودند، امروز در انزوا و بی‌خبری کامل قرار دارند. این امور امید نسل جوان برای اثرگذاری مثبت در عرصه نگارگری و نقاشی ایرانی را به یاس تبدیل کرده است.

جدی دستگاه‌ها و وزارت‌های فرهنگی است. در شرایط فعلی و با مظلومیت این هنر، امکان استمرار دستاوردهای اساتیدی مثل محمود فرشچیان وجود ندارد. دانشگاه‌ها هیچ افق روشنی برای فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها ترسیم نمی‌کنند- یا به طور روشن امکان اشتغال برای فارغ‌التحصیلان رشته‌های نگارگری و نقاشی ایرانی وجود ندارد. بازار کار و محل عرضه آثار نگارگری و نقاشی ایرانی جز در بازارچه‌های تجاری و غیرهنری که آثار بازاری و

در جهانی که هنر مدرن و معاصر در حال تحول سریع است، چگونه می‌توان استمرار و پویایی هنر نگارگری را با الهام از آثار استاد فرشچیان تضمین کرد؟ چالش‌ها و فرصت‌ها در این زمینه کدام‌اند؟ به عبارتی اگر بخواهیم میراث استاد فرشچیان را در هنر ایران دنبال کنیم، چه جنبه‌هایی از کار ایشان برای آیندگان ماندگار خواهد بود و چرا؟

حفظ دستاوردهای هنری، نیازمند فعالیت تخصصی و

